ترجمه اول

نگاهی به کتاب چرا امروز مارکس را باید خواند
آنچه از مارکس زنده مانده است

علی اخوت

با وجود تجربه شکست‌خورده «سوسیالیسم واقعا موجود» جاذبه مارکس از نیمه قرن‌نوزدهم تا سراسر قرن‌بیستم و امتداد آن تا امروز چیست؟ بسیاری از جنبه‌های جهان کنونی و تاریخ اندیشه را نمی‌توان بدون داشتن درک حداقلی از چارچوب کلی اندیشه‌های مارکس بازشناخت. با این همه در ابتدای قرن بیست‌ویکم باید پرسید از آن بیکری که به خاک سپرده شد چه مقدار هنوز زنده مانده و به کار می‌آید؟ چاپ کامل آثار مارکس و انگلس به زبان انگلیسی که هنوز به‌صورت کامل انجام نگرفته، بالغ بر یکصد جلد کتاب ۸۰۰صفحه‌ای خواهد بود. با این اوصاف کتاب کم‌حجم و مختصر «چرا امروز مارکس را باید خواند» می‌تواند شرحی مختصر و مفید و خوانش انتقادی از آرای مارکس محسوب شود.

در فصل اول، نوشته‌های مارکس جوان را می‌خوانیم که عمدتا فلسفی‌تر و دارای بار سیاسی تندتری‌اند. نوشته‌های او در این دوران، موضوعات متنوعی را شامل می‌شود. فقط بخش کوچکی از این نوشته‌ها در زمان حیات مارکس منتشر شد. بخش مهمی از نوشته‌های منتشرنشده که با عنوان‌های مختلف دست‌نوشته‌های ۱۸۴۴، دست‌نوشته‌های پاریس و دست‌نوشته‌های اقتصادی و فلسفی خوانده می‌شوند آمیزه‌ای از یادداشت‌های خواندنی و تاملات بعدی مارکس‌اند که موضوعات مختلفی در آنها به بحث کشیده می‌شود.

یکی از این موضوعات، دین است. دین هیچ‌گاه مساله اصلی مارکس نبوده است و او هرگز پژوهش یا متن مستقلی که به دین پرداخته باشد، ننوشت. مباحث مارکس در خصوص دین به‌صورت پراکنده در آثار گوناگونی نظیر ایدئولوژی آلمانی، درباره مساله یهود و نقد فلسفه حق هگل و ترجایی درباره فوئرباخ طرح شده‌اند. بدیل رایج این بخش را با نوشته‌های ابتدایی مارکس آغاز می‌کند که به دنبال بحث‌وجدل‌های هگلی‌های جوان درباره مذهب شکل گرفته بود.

یکی دیگر از موضوعاتی که درباره دوران مارکس جوان در کتاب به آن پرداخته می‌شود، لیبرالیسم است. مارکس تنها فرد از میان معاصران خود نبود که از سیستم وقت در آلمان انتقاد می‌کرد. به گفته مارکس، این سیستم هم به لحاظ سیاسی و هم اقتصادی عقب‌مانده بود و فقط در فلسفه سرآمد دیگران محسوب می‌شد. سرمایه‌داری از نظر مارکس جوان یک رژیم سراسر بیگانگی است که مذهب، دولت، کار، پول و روابط انسان را در بر می‌گیرد. آزادی سیاسی لیبرالی در تحلیل نهایی، اوضاع را از بر خی جهات حتی بدتر هم می‌کند، اگرچه از بسیاری جهات پیشرفتی واقعی به شمار آید. سرمایه‌داری در دوره بسیار کوتاهی چنین ثروت انبوه مادی، معنوی و فرهنگی را انباشت کرده ولی نمی‌توانست چنین ثروتی را انباشت کند بدون اینکه در آن واحد، نابرابری تولید کند.

در فصل دوم به ایده‌هایی پرداخته می‌شود که انگلس در سخنرانی مشهور خود بر سر مزار مارکس به‌عنوان کپی‌برداری از مارکس مطرح کرده بود؛ یعنی تحلیل اقتصادی مارکس و تئوری

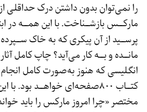

چرا امروز مارکس را باید خواند
جاناتان وولف
ترجمه: شهریار خواجیان
ناشر: آشیان
چاپ اول: ۱۳۸۶

تاریخ لا وه که شامل بیش‌بی‌اش دایر بر لزوم پایان‌دادن به نظام سرمایه‌داری می‌شود. مارکس معتقد بود بالاخره جامعه موجود با یک نظام کمونیستی جایگزین خواهد شد که دولت «بیگانه‌شده» را پشت‌سر بگذارد و این با انقلاب پرولتری به دست خواهد آمد. از اواسط دهه ۱۸۵۰، مارکس توجه و تمرکز خود را معطوف به تحلیل اقتصادی سرمایه‌داری کرد و پس از نوشتن چند دست‌نوشته منتشرشده و نشده، سرانجام جلد اول شاهکار خود، سرمایه را در ۱۸۶۷ منتشر کرد. از آن به بعد مارکس به درآمیختن تئوری اقتصادی‌اش با مبارزه و تبلیغ سیاسی ادامه داد.

مفسران همواره تفاوت‌هایی را بین مارکس و انگلس مطرح می‌کنند. بنابراین موضوع نتیجه مارکس هنوز هم کشوده است. با این اوصاف جاناتان وولف همانطور که در مقدمه اعلام می‌کند روایت خالیه مارکسیستی از مارکس و مارکس «انگلسی‌شده» را در فصول اول و به‌ویژه فصل دوم توضیح می‌دهد. تا بتواند در فصل نهایی به نقد این مارکس بپردازد. تئوری تاریخ یک از نقاط فلسفه آغاز می‌شود که وولف به نقد می‌کشد. تئوری تاریخ با این مدعا آغاز می‌شود که نیروهای تولید انسانی در سراسر تاریخ، گرایش به پایدار بماند و به آرامی خود را با نیروهای تولید رشدیابنده سازگار کند؟ استدلال مارکس که چنین امری به وقوع نخواهد پیوست مبتنی بر ترکه کاهنده سود و بحران‌های طرحخطه تشدیدشونده سرمایه‌داری است. اما سرمایه‌داری تا به حال ثابت کرده که توفان‌هایی را پشت‌سر گذاشته و از سویی، قانون نرخ کاهنده سود به دست ماندگار بوده است.»

یکی دیگر از بخش‌های تفکر مارکسیستی که توسط وولف مورد نقد قرار می‌گیرد، تبیین اقتصادی است. «در جهان واقعی با کوده‌هایی سروکار داریم که به دلیل گوناگون با یکدیگر در تضادند. تحقیق فکری صحیح با سیستم شروع می‌شود نه با امید. دستیابی به مبانی مشترک. اگر بررسی درست داشته باشی. غالبا متوجه می‌شوی که برای حل آن به بیش از یک علم نیاز دارد. به نظر من این روش درست کار میان‌رشته‌ای است. ما با یک مساله آغاز می‌کنیم و به این فکر می‌کنیم که برای حل آن به چه نیاز داریم. می‌توان برای حلش از متخصصان آمار، فیزیک یا حتی فلسفه کمک گرفت. اما مشکل از این است که یک علم در زمان بزرگ است و حوزه فلسفه فکر می‌کند به فلسفه نیازمند. فلسفه، در واقع، انتقادی است. غالبا هم بر پرسش‌های مورد علاقه‌شان از جنس حالق حرفه‌ای است که آنقدرها پرسش‌های اخلاقی عمیق یا جالب‌توجهی برای فیلسوفان نیست. احتمالا به‌جز فیلسوفان اخلاق به فلاسفه برای کارهای میان‌رشته‌ای رجوع نمی‌شود. اما خب گاهی هم در زبان‌شناسی، روانشناسی و گاهی ریاضیات این امر رخ می‌دهد و بازهم می‌گویم اگر شروع کار با مساله

گفت‌وگوی «شرق» با جاناتان وولف درباره فلسفه، سیاست و نابرابری اجتماعی
سیاست‌های بازتوزیع برای زندگی انسانی کافی نیست

امین عمهوادی، امیررضا گلابی

جهان واقعی این خیلی به کار کسانی می‌آید که قصدشان اکثار چنین حقوقی است. اما در نهایت به این نتیجه رسیدم که حقوق بشر نتوانسته است در دوران کنونی است و فیلسوفان باید به جای تلاش برای خلاص‌شدن از آن، در راستای تقویتش بکوشند

کتاب را اینگونه شرح می‌دهد: «موضوع را با زنجیره‌ای از مسایل به‌هم‌پیوسته و دستبرد به گنجینه‌های فلسفه سیاسی در جست‌وجوی پاسخ‌ها و دیدگاه‌ها کاویدم. اغلب از سده‌ها (واگاه هزارهما) درگذشته‌ام تا به کاوش اندیشه‌برانگیزترین متن‌های مربوط به مهمترین موضوعات بپردازم یا کمان می‌کنم که چنین کرده‌ام.» آنچه درپی می‌آید، گفت‌وگوی اختصاصی «شرق» با جاناتان وولف است که همزمان با حضور او در کنفرانس برابری اجتماعی در کیپ‌تاون صورت گرفته است. در ضمن در این صفحه بادداشت دکترجوج هالم مسوول برگزاری کنفرانس برابری اجتماعی نیز می‌آید که به‌طور اختصاصی برای «شرق» نوشته است و در آن به ارایه گزارش مختصری از مباحث مطرح‌شده در دوروز هم‌اندیشی فیلسوفان و نظریه‌پردازان در مطبوعات. دوکتاب به فارسی ترجمه شده است: «چرا امروز مارکس را باید خواند» با ترجمه شهریار خواجیان و «درآمدی بر فلسفه سیاسی» با ترجمه حمید پژوهش. وولف درکتاب نخست به‌سراغ بازخوانی مارکس در قرن بیست‌ویکم می‌رود و می‌کوشد جاذبه تفکر مارکس را در عصر کنونی روشن کند. این کتاب برای مخاطبانی که کمترمتنی از مارکس خوانده‌اند، می‌تواند مقدمه‌ای برای ورود به جهان فکری مهم‌ترین فیلسوف ۱۵۰سال گذشته باشد؛ درعین‌حال یک برای خواننده حرفه‌ای آثار مارکس نیز جذابیت دارد. اما او در کتاب دوم، «درآمدی بر فلسفه سیاسی»، به تاریخ پردامنه فلسفه سیاسی پرداخته است. هدف او، انتخاب و کرنیش مجموعه‌ای از بحث‌های برجسته همایش جاناتان وولف، رییس دپارتمان فلسفه دانشگاه لندن بود که برای مخاطبان این نیز نامی آشناست. از وولف تاکنون، علاوه‌بر مقالاتی در مطبوعات، دوکتاب به فارسی ترجمه

کنفرانس برابری اجتماعی کیپ‌تاون:
کاوشی در برابری در کشوری نابرابر

برابری در اجتماع چگونه افزایش می‌یابد؟

این سوال برای قرن‌ها ذهن فعالان عدالت اجتماعی و سیاستمداران آگاه را به خود مشغول کرده. امروزه نه‌فقط کشورهایی نظیر آفریقای‌جنوبی - که در زمره نابرابرترین نظام‌های اقتصادی دنیاست - بلکه در جهان، مخاطب این سوال، اغلب اقتصاددانان و خیرگان امور مالیاتی هستند. اما برای نظریه‌پردازان و کسانی که درگیر سایر رشته‌ها هستند، با برای عموم مردم، فراموش‌کردن چنین پرسشی، تبعاتی مرگبار خواهد داشت. این درست است که برنامه‌ریزان و نظریه‌پردازان اقتصادی از نقبه ما دسترسی بیشتری به «وسایلی» در جهت رسیدن به جامعه‌ای برابر دارند. اما هنگامی که کار به تعیین «هدف» - یا همان خود برابری - می‌رسد، سایرین نیز باید کاری کنند تا سخن‌شان شنیده شود. به همین دلیل بود که دانشگاه کیپ‌تاون در آکوست امسال میزبان کنفرانسی فراملت‌های در باب برابری اجتماعی بود. طبیعت برابری به‌عنوان هدف اجتماعی، دغدغه اصلی فلسفه سیاسی است. در نتیجه، گروه فلسفه دانشگاه کیپ‌تاون میزبان این کنفرانس بود و در تعداد سخنرانان غلبه با فیلسوفان دانشگاهی بود. هرچند، رویکرد فلسفی به نابرابری باید دادههایش را از سایر عرصه‌ها اخذ کند؛ به همین دلیل، از ۳۴مقاله‌ای که برای ارایه در این کنفرانس برگزیده شد، بیش از ۱۰ مقاله از سوی نظریه‌پردازان سایر رشته‌ها، مانند استادان حقوق، اقتصاد و علوم سیاسی بود. بیش از ۱۵۰نماینده از سراسر جهان - از هند، نیجریه، فرانسه، بلژیک، آلمان، ایالات‌متحده، فنلاند، هلند، غنا، انگلیس و البته کوشه‌وکنار آفریقای‌جنوبی - برای شرکت در کنفرانس، رنج سفر را به جان خریدند. در کنار نابرابری‌های اقتصادی حال حاضر، آفریقای‌جنوبی وارث تاریخی از نابرابری‌های تعمدا مهندسی‌شده در عرصه اقتصاد، سیاست و مسکن است. شرکت‌کنندگان در خلال حضورشان در کیپ‌تاون، در کنفرانس به‌عنیه شاهد میراث این جداسازی و تبعیض‌نژادی رسمی بودند که مانند زخمی بر بدنه جامعه آفریقای‌جنوبی باقی مانده است. در روز نخست کنفرانس، جرمی کروتین، از مبارزان قدیمی مبارزات مسلحانه علیه رژیم آپارتاید آفریقای‌جنوبی که به‌مدت هفت‌سال زندانی بود، در سخنانی تاملات خود پیرامون ارتباط بین آرمان آزادی و برابری را در تاریخ معاصر آفریقای‌جنوبی با شنوندگان در میان گذاشت. کروتین که هم‌اکنون معاون وزارت کار در دولت تکنره ملی آفریقا (حزب کنگره در آفریقای‌جنوبی) و به‌طور همزمان معاون دبیرکل حزب کمونیست آفریقای‌جنوبی است، بر این نکته تاکید داشت که پیشرفت به سوی هدف برابری نیازمند تغییرات ساختاری در عرصه تولید و مصرف است. سخنرانی کروتین اهمیت و اولویت موضوع چنین کنفرانسی را در زمینه آفریقای‌جنوبی هم در کار نیست.

کتاب را اینگونه شرح می‌دهد: «موضوع را با زنجیره‌ای از مسایل به‌هم‌پیوسته و دستبرد به گنجینه‌های فلسفه سیاسی در جست‌وجوی پاسخ‌ها و دیدگاه‌ها کاویدم. اغلب از سده‌ها (واگاه هزارهما) درگذشته‌ام تا به کاوش اندیشه‌برانگیزترین متن‌های مربوط به مهمترین موضوعات بپردازم یا کمان می‌کنم که چنین کرده‌ام.» آنچه درپی می‌آید، گفت‌وگوی اختصاصی «شرق» با جاناتان وولف است که همزمان با حضور او در کنفرانس برابری اجتماعی در کیپ‌تاون صورت گرفته است. هدف او، انتخاب و کرنیش مجموعه‌ای از بحث‌های برجسته فلسفه سیاسی است که وولف آنها را چونان مخاطبی در دوروز برای مخاطبان این نوشته است و در آن به ارایه گزارش مختصری از مباحث مطرح‌شده در دوروز هم‌اندیشی فیلسوفان و نظریه‌پردازان در مطبوعات پرداخته است.

کیپ‌تاون کشته کنفرانسی در دانشگاه کیپ‌تاون با عنوان «کنفرانس برابری اجتماعی» برگزار شد و در آن فیلسوفان و نظریه‌پردازان به‌طور ویژه‌پردازان سیاسی سخنرانی کردند. هرچند برگزارکننده کنفرانس، دپارتمان فلسفه این دانشگاه بود، اما طیف وسیعی از سخنرانان و موضوعات را دربرمی‌گرفت؛ موضوعاتی از این قبیل که «برابری چیست»، «چه چیز برابری ایفاد خوب است»، «چگونه باید به برابری رسید» و نظایر آن. این کنفرانس در اصل قرار بود با اتکا به مورد خاص آفریقای‌جنوبی به وضع برابری در کشورها بپردازد. اما عمومیت بحث درباره برابری آن را برای مخاطبان دیگر کشورها نیز جذاب می‌کرد. یکی از مهم‌ترین سخنرانان این نیز نامی آشناست. از وولف تاکنون، علاوه‌بر مقالاتی در مطبوعات، دوکتاب به فارسی ترجمه

**کتاب را چگونه شرح می‌دهد: «موضوع را با زنجیره‌ای از مسایل به‌هم‌پیوسته و دستبرد به گنجینه‌های فلسفه سیاسی در جست‌وجوی پاسخ‌ها و دیدگاه‌ها کاویدم. اغلب از سده‌ها (واگاه هزارهما) درگذشته‌ام تا به کاوش اندیشه‌برانگیزترین متن‌های مربوط به مهمترین موضوعات بپردازم یا کمان می‌کنم که چنین کرده‌ام.» آنچه درپی می‌آید، گفت‌وگوی اختصاصی «شرق» با جاناتان وولف است که همزمان با حضور او در کنفرانس برابری اجتماعی در کیپ‌تاون صورت گرفته است. هدف او، انتخاب و کرنیش مجموعه‌ای از بحث‌های برجسته فلسفه سیاسی است که وولف آنها را چونان مخاطبی در دوروز برای مخاطبان این نوشته است و در آن به ارایه گزارش مختصری از مباحث مطرح‌شده در دوروز هم‌اندیشی فیلسوفان و نظریه‌پردازان در مطبوعات.